پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۷۵ – ۵۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۳

تحلیل گفتمان شیخ فضل الله نوری پیرامون مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت

بهمن احمدی[۱]
اسمعیل حسینی گلی[۲]
عبدالحسین الله کرم[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

چکیده

انقلاب مشروطیت در ایران، به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ سیاسی کشور علاوه بر تحولات گسترده سیاسی- اجتماعی مفاهیم نوینی همچون عدالت، قانون و آزادی و.. را وارد ادبیات سیاسی ایران نمود. دراین بین «آزادی»، که مفهوم و ابعاد آن همواره در علوم انسانی از چالش‌برانگیزترین مباحث علمی بوده، در دوران مشروطیت نیز رهیافت‌های گوناگونی در مطالعه، معنا، برداشت و ابعاد آن پدید آمد و اندیشمندان و رهبران مذهبی و کنشگران سیاسی کشور، نگاه متفاوتی به این مفهومِ اساسیِ فلسفه سیاسی ابراز داشتند و هرکس برحسب مبانی فکری خویش و با گرایشی که ملتزم به آن بوده، آزادی را تعریف کرده و برداشت خود از آزادی را بیان می‌داشت. با این وصف تحلیل گفتمانِ اندیشمندان مختلف پیرامون مفهوم آزادی می‌تواند ما را به درک و شناخت دقیق‌تر از مبانی فکری طیف مربوط به آن اندیشه آگاه‌تر سازد. بر این مبنا در این مقاله کوشش شده تا گفتمان یکی از شخصیت‌های برجسته دوران مشروطیت، از طیف علمای مشروعه خواه پیرامون مفهوم و ابعاد «آزادی» یعنی «شیخ فضل‌الله نوری» مورد تحلیل قرار گیرد. در تحقیق حاضر که به روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به انجام رسیده این نتایج به دست آمد که دال مرکزی گفتمان شیخ فضل‌الله نوری پیرامون آزادی بحث امنیت، نظم، ثبات و انسجام فکری و اعتقادی و ملی جامعه ایران، است و گفتمان وی در خصوص آزادی را پیرامون مفاهیمی همچون «احتمال بروز ناامنی در کشور» و «خطر زوال دین»، «ضعف باورهای دینی در جامعه»، «ترویج منکرات»، «تعارض مفهوم مدنظر مشروطه خواهان از آزادی با آموزه‌های دینی»، «سوءاستفاده منحرفان» و «از بین رفتن یکپارچگی در کشور» می‌توان مفصل‌بندی نمود

واژه‌های کلیدی: روش تحلیل گفتمان، انقلاب مشروطیت، آزادی، شیخ فضل الله نوری، امنیت و نظم خواهی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
BahmanAhmadi0044@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران،ایران.(نویسنده مسئول) Ehgoli@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
abd.allahkaram@iauctb.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

مقدمه

مفهوم آزادی در معنایِ سیاسی و اجتماعیِ آن، مفهومی است نوبنیاد که در عصرِتجددخواهیِ ایران در گفتمان سیاسیِ تجددخواهان و روشنفکرانِ ایرانی تکوین یافت. در ایران مفهوم جدید آزادی برای نخستین بار در جریان شکل‌گیری جنبش مشروطیت، در صدر شعارهای نخبگان و مردم قرار گرفت. هرچند که باید گفت ردپای این مفهوم را در آراء و نظریات روشنفکران و روحانیون عصر ناصری نیز می‌توان مشاهده نمود. اما توجه عمیق و عملی به این مفهوم و همه‌گیر شدنِ آن را باید در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطه و طی فرآیند تصویب قانون اساسی پی گرفت.

انقلاب مشروطیت بخش عبرت‌آموزی از تاریخ ایران است. این انقلاب در تاریخ ایران و تشیع، نهضتی بی‌مانند است، و با خیزش‌ها و حرکت‌های پیشین مردم این سرزمین، تفاوت‌های بسیار دارد. نهضت مشروطه‌خواهی، نخستین رویارویی مستقیم فرهنگ سنت اسلامی - ایرانی با مدرنیته در ایران بود. در تمام تاش‌های سابق مانند قیام تنباکو و دیگر کوشش‌هایی که در جهت نوسازی و هماهنگی با تحولات عصر جدید صورت گرفت، برخوردها چندان باارزش‌های جدا افتاده سنتی درگیر و رویاروی نمی‌شد. در جریان این انقلاب مردم با مفاهیمی چون «حق»، «آزادی»، «قانون»، «برابری» و... آشنا شدند و دیگر سلطان را سایه خدا در زمین نمی‌دانستند. این تغییرات در ایران سنتی، بخصوص اینکه بسیاری از روحانیون را که ازجمله اقشار سنتی ایران بودند، درگیر خودساخته بود، از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین اهمیت این تحقق با توجه به خصلت تکرارشونده رخدادهای تاریخی و تغییرات مستمر در نظام سیاسی ایران معاصر آشکار خواهد شد.

اگر این مفهوم از جامعه‌شناسی معرفت را بپذیریم که پژوهش‌های جامعه‌شناسی در پی رهنمونی محقق به فهم عمیق اندیشه‌ها در بستر تمایزات ریزودرشت اجتماعی است. آنگاه در مقام بررسی و فهم جریان‌ها اندیشه اندیشمندان ایران اسلامی مخصوصاً در یکصد سال اخیر این نکته کلیدی را پیش پای هر محققی قرار خواهد داد که بتواند تمایزات، اختلافات، چالش‌ها و حتی تخریب‌های درون واحد ملی ایران را بفهمد و مهم‌تر از آن حتی این رویکرد می‌تواند ما را به تمایزات افراد در درون یک جریان یاری نموده که تحقیق حاضر با انتخاب شیخ فضل‌الله نوری (به‌عنوان نماینده بخشی از علمای دینی) در بین جریان‌های اثرگذار در وقوع انقلاب مشروطیت و مسائل و موضوعات پس‌ازآن، شناخته می‌شوند این سؤال را مطرح خواهیم نمود که دال مرکزي گفتمان شیخ فضل‌الله نوري پیرامون مفهوم، مبنا، ابعاد و مسائل مربوط به گفتمان آزادي در – دوران مشروطیت چیست و هرکدام نظام معنایي خود را چگونه حول

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

دال مرکزي مفصل‌بندی می‌کنند؟ به هر ترتیب در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا به روش تحلیل گفتمان زوایای مختلف و پنهان تفکرات این عالم و اندیشمند اثرگذار در جامعه ایرانی دوران انقلاب مشروطیت و پس‌ازآن روشن شده و دال مرکزی گفتمان وی پیرامون مفهوم آزادی تعیین و مشخص گردد که شیخ فضل‌الله نوری به عنوان نماینده یکی از گروه‌های سیاسی دوران خویش، نظام معنایي خود را چگونه حول دال مرکزي مفصل بندي می‌کنند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع، توصیفی- تحلیلی و روش آن «تحلیل گفتمان» هست. در تحلیل گفتمان، تحلیلگر «به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن ساختارهای معانی، نحوه خاصی از عمل را امکان‌پذیر می‌کنند.» تحلیلگر برای این کار، برای درک چگونگی تولید، کارکرد و تحول گفتمان‌هایی تلاش می‌کند که فعالیت‌های کارگزاران اجتماعی را ساخت می‌دهند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۹۶). و محصول هر گفتمان را به‌صورت یک «بافت هم پیوند» ارائه می‌کند. ساخت و نظامی که از هر گفتمان برمی‌آید، از یک‌سو با مفصل‌بندی آن گفتمان ارتباط تنگاتنگی دارد و از سوی دیگر، برساخته‌هایش دارای «انسجام معنایی» هستند که در بافت اجتماعی، سیاسی و حقوقی تبلور می‌یابند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۶).

یکی از مهم‌ترین رویکردها در روش تحلیل گفتمان، رویکردِ «لاکلا و موفه» است. به نظر آن‌ها، هر پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد و پدیده‌ها زمانی قابل‌فهم می‌شوند که در قالب گفتمان خاصی قرار گیرند. هیچ‌چیزی به‌خودی‌خود، دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمان خاص کسب می‌کند، این روش معنا، سیاست و اجتماع را با هم ترکیب می‌کند و یکجا به تحلیل آن‌ها می‌پردازد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۸). یکی از مفاهیم مهم در این روش، مفهوم «دال» است. دال‌ها، نشانه‌های مهمی هستند که با آن‌ها، گفتمان هویت پیدا می‌کنند. دال‌ها یا نقاط مرکزی هر گفتمان، بر دو گونه هستند: «مرکزی» و «شناور». دال مرکزی- که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌یابند- به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه‌ای به‌طور موقت، به حالت «انسداد یا توقف» درآمده‌است. نیروهای جاذبه این هسته، سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کنند و سامان می‌دهند و مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند. درحالی‌که دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا، شناور و معلق است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱؛ حقیقت و حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

مفصل‌بندی، عملی است که طی آن، میان عناصر مختلف، ارتباط برقرار شود و درنتیجه این ارتباط، هویت آن عناصر تعدیل می‌شود یا تغییر می‌کند. لاکلا و موفه، کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را «گفتمان» نامیده‌اند (میرزایی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۳: ۲۶). نکته اساسی و محوری در مفصل‌بندی یک گفتمان، دال مرکزی است. هر گفتمانی، ایده‌ها و مفاهیم خود را از طریق استخدام دال‌ها و نشانه‌هایی انجام می‌دهد. این نشانه‌ها، به‌طور مقطعی، حول یک نقطه یا دال مرکزی تثبیت می‌شوند. نقطه مرکزی، نشانه یا دال برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۲).

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر کتابخانه‌ای بوده و تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از منابع و متون نوشتاری و افکار و اندیشه‌های مکتوب و منقول از شیخ فضل‌الله نوری و نیز سایر منابع و متون مرتبط با موضوع، اطلاعات لازم به‌صورت هدفمند و کامل گردآوری شود. ابزار گردآوری اطلاعاتی از طریق مطالعه دقیق و هدفمند منابع و متون نوشتاری و کتابخانه‌ای خواهد بود. با توجه به روش تحقیق حاضر که روش «تحلیل گفتمان» است، روش توصیف و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق روش «لاکلا و موفه» خواهد بود.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام شده گویای این است که تاکنون تحقیق خاصی با عنوان «تحلیل گفتمان شیخ فضل‌الله نوری در خصوص مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت» به انجام نرسیده بااین‌حال برخی تحقیقات مرتبط در این زمینه صورت پذیرفته که در ذیل به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مذکور اشاره خواهد شد:

– افسرده و همکاران، ۱۳۹۷، در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسیِ مشروطه» معتقدند حقوق فردی یکی از مهم‌ترین مباحث در اندیشهٔ سیاسی و نیز حقوقی جدید است. با تعریف حقوق طبیعی برای فرد، جایگاه آن در نظام‌های سیاسی و فکری متحول شد و مسائلی چون آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات، برابری سیاسی و اجتماعی و نظایر آن در صدر اصولی قرار گرفت که قوانین اساسی کشورها با آن نوشته می‌شد. در ایران نیز، ورود مفاهیم جدید، از دورهٔ قاجار، ابتدا در نوشته‌های سیاسی و انتقادی، و درنهایت، در متمم قانونِ اساسیِ مشروطه تبلور یافت. متمم قانون اساسی، ذیل عنوانِ «حقوقِ ملّت» به این آزادی‌ها پرداخت. حقوق فردی در عصر مشروطیت، خود ذیل گفتمان فراگیر قانون‌خواهی که در مشروطیت تبلوریافته بود قرار داشت. مفاهیمی چون آزادی و برابری،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

دال‌هایی بودند که در مفصل‌بندی با دال قانون‌خواهی و مشروطه در گفتمان مشروطه‌خواهی قرار گرفتند. در این مقاله، با استفاده از روش گفتمان لاکلا و موفه، این مفصل‌بندی بررسی می‌شود. فرضیهٔ این مقاله آن است که فرضیهٔ اصلی این مقاله آن است که گسترش اندیشهٔ آزادی و برابری پیش از مشروطه، نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان مشروطه‌خواهی داشت و در عصر مشروطه مناقشه‌هایی بر سرِ نسبتِ آن با حقوقِ شرع ایجاد شد.

– میر احمدی، منصور، ۱۳۹۴، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر اختلاف دیدگاه علمای موافق و مخالف مشروطه» بیان داشته اختلاف دیدگاه علما نسبت به مفهوم حکومت مشروطه و مفاهیم پیرامونی آن همچون قانون، آزادی، و برابری مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه حاکم بر نوشتار حاضر، اختلاف در موضع‌گیری علمای این دوران، قبل از هر چیز، ریشه در اختلاف برداشت آنان از مشروطه و مفاهیم مرتبط با آن دارد. بدون توجه به این اختلاف دیدگاه نمی‌توان به تحلیل اختلاف موضع‌گیری آنان در ماجرای مشروطیت پرداخت.

– سلیمانی دهکردی، کریم؛ رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی، ۱۳۹۳، در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه» عنوان داشته‌اند که از زمان آشنایی ایرانیان با غرب در دوره قاجار، آزادی به‌عنوان مفهومی اعتباری به کار رفت که معنا و تعریفی خاص و متفاوت از گذشته داشت. در این معنا، روشنفکران دوره قاجار؛ به‌خصوص عهد ناصرالدین‌شاه سهم بسزایی در وارد کردن این مفهوم و تطبیق آن با فرهنگ جامعه اسلامی– ایرانی داشتند. این پژوهش درصدد است تا با واکاوی مفهوم آزادی در آثار متفکران غربی، به مسیر انتقال این مفهوم به ایران، تعریف آن و چگونگی تلاش اندیشه گران ایرانی برای تطبیق این مفهوم بافرهنگ جامعه ایرانی بپردازد و نشان دهد که ظهور اندیشه‌ها و مفاهیم نوآیین؛ ازجمله مفهوم آزادی در دوره مشروطه، دارای پیشینه‌ای قابل توجه در ایران و اسلام بوده و اندیشه‌گران ایرانی، با استفاده از ظرفیت‌ها و داشته‌های فرهنگ خودی، سعی در ارائه تعریفی از آن مطابق با جامعه ایرانی داشته‌اند.

– محمدی، مجتبی، ۱۳۹۲، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اندیشه‌های سیاسی شیخ فضل‌الله نوری و علامه نائینی با تأکید بر دموکراسی» که برای اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز به انجام رسیده بیان می‌دارد که دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله با علامه نائینی در خصوص قانون، مساوات، آزادی و عدالت تعارضات زیادی با یکدیگر دارند که البته این مهم به برداشت متفاوت شیخ از مفاهیم مذکور در فضای اجتماعی آن روز ارتباط دارد و این تفاوت را ناشی از این می‌داند که شیخ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

فضل الله در انطباق افکار و اندیشه های جدید با تفکر فقاهیتی خود توفق نداشته است. شیخ معتقد بوده که آزادی برایجامعه خطرناک بوده و موجب گمراهی و ابهام در تعیین مسیر درست از نادرست می‌شود، در مقابل علامه نائینی به دلیل تسلط نسبی وی بر دانش روز و انطباق افکار نو با دانش فقهی پیوند و رابطه بهتر و عمیق تری با گفتمان های جدید داشته و همخوانی بیشتری با مشروطیت داشته است.

– آجدانی، لطف‌الله، ۱۳۸۰، در مقاله‌ای با عنوان «علما و اندیشه آزادی در عصر مشروطیت»، بیان داشته در بین علمای مشروطه‌طلب و علمای مخالف مشروطه، در مفهوم و کارکرد آزادی تفاوت چندانی وجود ندارد. آنان آزادی را در چارچوب درک سنتی از اسلام و منحصر به دو اصل رهایی از استبداد قدرت‌های داخلی و رهایی از سلطه خارجی می‌دانستند. از نظر تاریخ دموکراسی، دیدگاه آنان، هم غیرتاریخی و هم غیردموکراتیک بود. آقای عبدالرسول کاشانی یکی از معدود علمایی است که آزادی را نزدیک به مفهوم دموکراتیک آن مطرح کرده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود عمده تحقیقات مشابه صورت پذیرفته هرچند اشاراتی جزئی به موضوع بحث این نوشتار داشته‌اند اما برخی از تحقیقات در مقام مطابقت دیدگاه شیخ فضل‌الله با سایر علمای دینی بوده‌اند و یا اینکه دیدگاه‌های عمومی این شخصیت سیاسی و مذهبی را به بوته بحث و نقد گذاشته‌اند ازاین‌رو مقاله حاضر اولاً به جهت تحلیل گفتمانی، ثانیاً تمرکز بر موضوع آزادی سیاسی و ثالثاً ارائه تصویری روشن از اختلافات پیرامون مفهوم آزادی در دوران تأثیرگذار مشروطیت در تاریخ سیاسی ایران واجد بداعت و نوآوری است.

آزادی در دوران مشروطیت

موضوع و مفهوم «آزادی» از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت در طول حیات فکری سیاسی و اجتماعی بوده است. هر یک از متفکران سیاسی و اجتماعی به انحاء گوناگون کوشیده‌اند به تعریف و تبیین حدودوثغور امر آزادی در عرصه عمومی و زندگی خصوصی بپردازد. در دوران انقلاب مشروطیت، اساساً سه دیدگاه در خصوص مفهوم آزادی مطرح بود: دیدگاه روشنفکران غرب‌گرا؛ دیدگاه مشروطه خواهان دینی و دیدگاه مشروعه خواهان. از میان این دو دیدگاه اخیر، در بنیادها و مبانی مفهوم «آزادی» اختلاف اساسی وجود نداشت و اختلاف ظاهری آن‌ها در فضای مشروطه، معلول سه عامل ذیل بود (حشمتی، ۱۰۸:۱۳۸۳):

۱. بینش اجتهادی که بر اساس آن اختلاف در مصادیق رخ می‌داد.

۲. قرب و بعد نسبت به مرکز حوادث

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

هرچند به عقیده برخی نویسندگان، درباره دلایل اختلاف علما و مجتهدان در نهضت مشروطیت دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی طرح شده است. شماری به مبانی دین‌شناسی و انسان‌شناسی آنان تمسک جسته و معتقدند هرکدام از آنان با توجه به معلومات پیشین خود در مورد مشروطه اظهارنظر کرده است و ازآنجاکه دیدگاه‌هایشان در مورد دین و انسان و پیشینه‌ی فکری آن‌ها با یکدیگر متفاوت بوده است به نتیجه‌گیری دیگرگونه‌ای رسیده و بنابراین دراین‌باره اختلاف‌نظر پیش آمده است (آبادیان، ۱۳۷۴: ۴۰). به‌رغم این سطوح اختلاف، هر دو گروه در پی تحقق و اجرای احکام اسلامی بودند که مستلزم نفی استبداد و استعمار بود این در حالی است که گروه نخست (روشنفکران غرب‌گرا) از اصل و اساس در بحث آزادی با دو گروه دیگر تفاوت ریشه‌ای و اساسی داشت. در این میان فعالیت‌های شیخ فضل‌الله نوری به‌عنوان یک کنشگر سیاسی و عالم دینی مشروعه خواه آثار گوناگونی را درروند نهضت و جامعه آن روز برجای گذاشت. نوع برخورد با افکار و اندیشه‌های وی و جایگاه و نقشی که شیخ در دوران انقلاب مشروطیت داشت و البته شهادت وی از سوی سران انقلاب در برهه خاص آن زمان بایست به شکل دقیق و علمی مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

مروری برسوابق و آثار علمی شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله نوری، فرزند حاج مولی عباس نوری، روز دوم ذی‌الحجه سال ۱۲۵۹ هجری قمری به دنیا آمد. بعد از سپری نمودن کودکی در عنفوان جوانی به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد و بعد از مدتی به کمک دایی خود مرحوم حاج میرزا حسین نوری به نجف اشرف رفت و در حوزه درس آیت‌الله میرزای شیرازی - صاحب فتوای معروف تنباکو- وارد شد. وی پس از مدت کوتاهی که از حضورش در درس مرحوم میرزا می‌گذشت به درجه اجتهاد نائل شد. شیخ بر فقه و اصول و حکمت و عرفان احاطه داشت وی پس از نیل به درجه اجتهاد بنا به تقاضای میرزای شیرازی، از نجف به تهران بازگشت و به‌مرور از روحانیون طراز اول کشور گردید (بروجردی، ۱۳۶۲:۱۲-۱۳).

شیخ در جریان تحریم تنباکو نقش بسیار مهم و حساسی داشته است. وی به‌عنوان رابطی مطمئن میان مرکز مرجعیت شیعه و تهران، مرکز مبارزه مشغول فعالیت علیه قرارداد مذکور بود. اما نظر به اینکه میرزا حسن آشتیانی در آن زمان در قید حیات بود و شیخ تقریباً به‌عنوان شخصیت دوم مبارزه در تهران شناخته شده بود. در سال‌های بعد هنگامی‌که صحبت از عدالتخانه به میان آمد، با رغبت از آن پشتیبانی نمود و برای بسط عدالت و ترویج و اجرای احکام اسلام به جنبش و تلاش و حرکت برخاست. شیخ در

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

ادامه «مشروطه مشروعه» را طرح می‌کند و از طبقه روحانی، دستگاهی مقتدر و مجهز ساخت و با کمال ایمان به تلاش پرداخته و نتایجی به دست آورد. در طول حیاتش یک‌بار به او سوءقصد شد. اما جان سالم به در برد. شیخ فضل‌الله در اعتراض به انحراف نهضت، نود روز در صحن حضرت عبدالعظیم با بیش از پانصد نفر از طلاب و روحانیون و مردم متدین تهران بست نشست. از آنجا که این حرکت اثری عمیق داشت، مجلس شورای ملی مجبور شد ورقه التزام به اسلام را امضاء کند. بدین ترتیب بود که شیخ به تهران بازگشت.

بعد از وقایع به توپ بستن مجلس و شروع استبداد صغیر، مرحله دیگری از نهضت مشروطیت شروع شد. پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه از سلطنت، اقدام کنندگان علیه مشروطه دستگیر و در دادگاه عالی انقلابی محاکمه شدند و سرانجام شیخ فضل‌الله نوری نیز با این اتهام در ۱۲ مرداد ۱۲۸۸ خورشیدی به دار آویخته شد.

شیخ فضل‌الله رسالات سیاسی مختلفی ازجمله رساله حرمت مشروطه و قانون اساسی؛ رساله لوایح شیخ فضل‌الله نوری؛ رساله تذکره‌الغافل و ارشادالجاهل دارد (بلوری، ۱۳۷۶: ۳۸) علاوه بر کتب یادشده، شیخ فضل‌الله مکتوبات متفرقه دیگری نیز دارد که توسط آقای محمد ترکمان همراه با سایر تألیفات او جمع‌آوری شده است. این کتاب با عنوان «مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری» در سال ۱۳۶۲ ه.ش به چاپ رسیده است. از جمله این مکتوبات می‌توان بـه رساله‌المشق، صحیفه‌قائمیه، لوایح، رساله فقهی عدم لزوم الترتیب فی قضاء الصلاهالخمسه، رساله حـکم التـجری فی حجیه القطع، رساله التجزّی فی الاجتهاد، حاشیه بر رسائل شیخ انصاری، حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر شواهد الربوبیه ملاصدرا، رساله قاعدة ضمانید، بیاض، رساله پرسش و پاسـخ، رسـاله تحریم مشروطیت و رساله فقهی منظوم الدّررالتنظیم اشاره کرد. در خصوص مقام علمی ایشان، میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادي، شیخ فضل‌الله را ازجمله علماي معقول و منقول و داراي برخی از علوم غریبه می‌داند. مهارت او در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و شناخت وي از مسائلِ روزِ جامعه موجب شد تا به سرعت مورد استقبال طلاب و روحانیان قرار گیرد. مجلس درس شیخ در تهران داراي اعتبار و اهمیت فوق العاده بود و بسیاري از روحانیان به شرکت در درس او مباهات داشتند و اغلب علماي تهران از افادات علمی او بهره می‌بردند. به همین سبب بود که از این حوزه درس شخصیت‌های بزرگی بیرون آمدند (محمدی، ۱۳۹۲: ۹۱).

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

دیدگاه‌های سیاسی شیخ فضل‌الله نوری

اندیشه سیاسی شیخ را در دو وجه سلبی و ایجابی می‌توان تحت بررسی قرار داد. اندیشه سیاسی سلبی شیخ فضل‌الله در انتقادات بر نظریه مشروطه قرار دارد. او در این قسمت به‌طور روشن و بدون ابهام نظرات خود را در رابطه با مشروطیت بیان کرده است. ولی اندیشه سیاسی ایجابی او که در رابطه با نظریه مشروعه خواهی است که عمدتاً پیرامون نگرانی‌های او در خصوص انحراف مشروطیت است و صورت کلی اندیشه سیاسی ایجابی او از لحاظ نظری همان نظریه رایج در فقه شیعه و از بعد عملی در جهت اندیشه سیاسی رایج در سیاست‌نامه‌های عصر قاجار است. شیخ فضل‌الله در رساله‌های سیاسی و مکتوبات خویش مواضع خود را نسبت به مشروطیت بیان می‌کند. دیدگاه‌های مهم وی نسبت به مشروطه به‌طور اختصار عبارت‌اند از:

الف- مشروطیت سوغات فرنگ است. شیخ در رساله حرمت مشروطه می‌گوید: «منشأ مشروطه از فرق جدیده و طبیعی مشربها است که آن را از کشورهای همسایه اکتساب و در ایران رایج کردند. آن‌ها خواسته‌های خود را به‌صورت خوشی مطرح کرده به‌طوری‌که هرکسی آن مطالب را می‌شنید، طالب آن‌ها می‌شد.»(زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

ب- بدعت بودن اکثریت آراء؛ شیخ فضل‌الله نوری اصل اساسی مشروطیت که انتخابات است را زیر سؤال می‌برد. او می‌گوید مشروطه خواهان بنای انتخاب وکلای مردم را گذاشتند و تصویب قانون را منوط به اکثریت آراء کردند. شیخ عقیده داشت این امور جعل و بدعت و احداث ضلالت در شرع انور است. زیرا، قرار دادن و مشروع بودن دولت بر پایه رضایت عمومی حکومت شوندگان هرچند یک‌بار از طریق انتخابات صورت می‌گیرد کار بیهوده است. اصولاً، «اعتبار اکثریت آراء در مذهب امامیه غلط است.» حرمت مشروطه از دید وی ازآنجا نشأت می‌گیرد که مشروطه خواهان اصل تصویب کردن قانون را به‌صورت عملی الزام‌آور برقرار می‌کنند و چنین کاری حتی اگر در محدوده امور مباح هم باشد، از آنجا که یک حرام شرعی است، بدعت در دین خداست و «کل بدعه ضلاله». «اگر فعل مباحی را هم الزام به آن نمایند و انجام آن را لازم و بر مخالفت آن جزای مرتبت باشد این یک بدعت بوده و لذا حرام است.»(پیشین: ۱۵۷).

پ- قانونگذاری بشری در برابر شریعت بدعت است؛ شیخ فضل‌الله نوری در رساله ارشادالجاهل بر اهمیت قانون شرع تکیه و می‌نویسد: «بهترین قانون، قانون الهی است. طایفه امامیه نه تنها در عبادات بلکه در جمیع امور سیاسیه بر وجه اکمل و اوفی قانون مورد نیاز را داراست. لذا طایفه امامیه ابداً محتاج

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

به جعل قانون نیست. پیامبر ما ختم پیامبران و قانون او ختم قوانین است. جعل قانون کلاًم بعضاً منافات با اسلام دارد. جعل قانون کار پیامبری است و مسلم را حق جعل قانون نیست در اسلام برای احدی جایز نیست جعل قانون کند. اسلام ناتمامی ندارد که کسی او را تمام کند.»(بلوری، ۱۳۷۶: ۴۰).

ت- مخالفت با اصل تفکیک قوا؛ شیخ فضل‌الله در «حرمت مشروطه» می‌گوید: «و از جمله مواد این ضلالت نامه، تقسیم قوای مملکت به سه شعبه که اول قوه آن مقننه است و این بدعت محض است.»(زرگری نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

ث- وکالت در امور عامه صحیح نیست؛ در رساله ارشادالجاهل، نویسنده، بحث وکالت را مطرح و می‌گوید: «انتخاب وکیل در مشروطه برای اموری است که به همه مربوط است. وکلای مجلس در امور عامه دخالت می‌کنند. درحالی‌که امور عامه مربوطه به ولایت شرعیه است. دخالت در امور عامه و مصالح عمومی مردم مخصوص به امام عصر (ع) و نواب عام آن حضرت می‌باشد. لذا جوهر کار وکلای مشروطه یعنی غصب مسند پیامبران و ائمه اطهار (ع) است و چنین کاری حرام است. مگر نمی‌دانید که در امور عامه وکالت صحیح نیست و این باب، باب ولایت شرعیه است.»(پیشین: ۱۸۴).

ج- محال است با اسلام حکم مساوات؛ مساوات یکی از ارکان مشروطه است. شیخ در «حرمت مشروطه» می‌گوید: از جمله مواد ضلالت نامه این است که افراد مملکت متساوی‌الحقوق‌اند. اگر اینطور باشد پس «فعلی الاسلام السلام» ای مردم بدانید که مملکت اسلامیه مشروطه نخواهد شد. زیرا «محال است با اسلام حکم مساوات». (پیشین: ۱۶۰) او استدلال می‌کند که چون در احکام اسلام، تفاوت بین موضوعات مکلفین در عبادات، معاملات، تجارت، سیاسات از بالغ غیر بالغ، عاقل و مجنون، صحیح و مریض، مختار و مضطر، پدر و پسر، زن و شوهر، غنی و فقیر، مقلد و مجتهد، و... مسلم و کافر، کافر ذمی و... وجود دارد و اگر این موضوعات مختلفه وجود داشته باشد، چگونه می‌توان گفت مساوات وجود دارد؟!

از دیدگاه شیخ فضل‌الله کسی که قائل به مساوات باشد در واقع ضروری دین را انکار کرده و لذا کافر و مرتد است. «اجرای احکام اسلام بر اصل مساوات و حریت نیست، هر یک از این دو اصل موذی و خراب کننده رکن قویم قانون الهی است. بنای احکام الهی بر تفریق مجتمعات و جمع مختلفات است.»(بلوری، ۱۳۷۶: ۴۱).

چ-رابطه نهاد دین و دولت؛ شیخ فضل‌الله، در رساله حرمت مشروطه، نبوت و سلطنت را مکمل و متمم یکدیگر می‌داند. علماء دین را وارث دینی و سلاطین سازگار با علمای دین را وارث سلطنت می‌داند.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

یعنی استخراج احکام دینی و اعمال قدرت و اجرای آن در دو موضع قرار می‌گیرند. از دید او بنای اسلام بر دو امر «نیابت در امور نبوتی» و «نیابت در امور سلطنتی» است (پیشین). در ادوار گذشته این دو با هم بوده است ولی امروز جدای از هم می‌باشند. بدون تقویت این دو امر، اجرای احکام اسلام معطل خواهد ماند. تحصیل عدالت بستگی به اجرای احکام اسلام دارد و بسط عدالت به تقویت این دو فرقه بستگی دارد. او به مشروطه خواهان که باعث تضعیف سلطان مسلمین می‌شدند، حمله می‌کند و بر اساس این استدلال، در آخر رساله حرمت مشروطه، دعای معروف خود چنین مطرح می‌کند: «اللهم اید سلطاننا (محمد علیشاه) اید جیشه و ابد عیشه و...»

نگرش شیخ فضل‌الله نوری نسبت به آزادی

برای بررسی دیدگاه شیخ فضل‌الله و تحلیل گفتمان وی در خصوص آزادی و یافتن دال مرکزی این گفتمان و مفصل‌بندی آن باید پرسید که شیخ فضل‌الله چه درکی از مشروطه داشت؟ برداشت او از جریان مشروطه چه نوع آزادی را به وجود می‌آورد؟ تفکرات سیاسی او چه نوع آزادی را نتیجه می‌دهد؟ تفاوت برداشت وی از مفهوم آزادی با جریان‌های دیگر چه بود؟ ابعاد آزادی از دیدگاه شیخ فضل‌الله در بردارنده چه تقسیمات و مفاهیمی است؟ و نهایتاً اینکه دلایل مخالفت شیخ فضل‌الله با آزادی در دوران مشروطیت چه بوده است؟ ازاین‌رو در این مبحث تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی عقاید و نظرات وی که مندرج در آثار مکتوب ایشان است به عقاید و نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده سایرین که تحلیل‌های خود را در این زمینه ارائه داده‌اند نیز اشاره خواهد شد.

در خصوص درک و استنباط شیخ فضل‌الله نوری از مشروطیت برخی محققین معتقدند درک و برداشتی که شیخ فضل‌الله از مشروطیت داشت عبارت بود از اینکه مردم برای رفع ظلم‌های ناشی از استبداد، نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند. وکلا مردم در مجلس شورای ملی دور هم جمع شده و آن‌ها با توجه به مقتضیات عصر قانونی را مطابق قرار اکثریت آراء تصویب می‌کنند. این قانون با توجه به عقول ناقص وکلا مردم و بدون ملاحظه موافقت و یا مخالفت با شرع امور؛ همین‌که به نظر اکثریت آن‌ها نیکو و صحیح برسد آن‌یک قانون مملکتی است. این نحوه قانون‌گذاری با دیدگاه فقاهتی او تعارض ذاتی داشت. لذا در عمل و در نظر برخورد سلبی با ارکان مشروطیت می‌کرد (بلوری، ۱۳۷۶: ۴۴).

حال باید دید، نوع و تلقی از آزادی، در دیدگاه شخصیتی همانند شیخ فضل‌الله نوری که ارکان تفکر سیاسی او بر پایه مسائل ذیل قرار دارد چه می‌تواند باشد؟ در نگاه نخست به نظر می‌رسد وقتی شیخ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

فضل‌الله با این امور مخالفت می‌کند نتیجه تفکر او منجر به عدم آزادی است. او آزادی ناشی از تفکر مشروطیت را رد می‌کند. در این خصوص باید یادآور شد که این دیدگاه دیدگاهی است که برخی منتقدان اندیشه‌های شیخ فضل‌الله مطرح می‌کنند و معتقدند اگر روشنفکری مانند میرزا ملکم صحبت تدوین قانون می‌کند او بر اساس مقدمه و موخری این کار را انجام می‌دهد. مثلاً پیش‌فرض او بر اصل ترقی پذیری است. لازمه ترقی پذیری انسان، اصالت عقل است. یعنی انسان می‌تواند مشکلات خود را توسط عقل حل کند. لذا انسان‌های عاقل می‌توانند دور هم جمع شوند و با ترتیبات خاصی و بر اساس قرارداد فی‌مابین خود به تدوین قانون بپردازند. آیا شیخ فضل‌الله چنین مقدمه‌ای را برای انسان قائل است؟ آیا اصل ترقی پذیری را برای انسان و اینکه عقل بشر کفایت حل مشکلات خودش را می‌تواند داشته باشد؛ قبول دارد؟

شیخ فضل‌الله در این امور مطلبی در رساله‌های خود مطرح نکرده است ولی با احتیاط می‌توان گفت او چون اصولاً جعل قانون را کار پیامبری می‌داند و مسلم حق جعل قانون را ندارد، لذا از دیدگاه وی عقل بشر قادر به تشخیص مصالح واقعی خودش نیست لذا جعل قانون توسط بشر ضرورتی ندارد. وقتی که انسان در حوزه‌ای اختیار نداشته باشد به‌طور طبیعی، بحث آزادی هم مطرح نمی‌شود. وقتی بناست که انسان قانون وضع نکند. دیگر بحث وجود یا عدم وجود آزادی بی‌مورد است و اندیشه شیخ فضل‌الله در مورد رد قانون‌گذاری در مشروطه طوری است که دیگر بحث و گفتگو در مورد اینکه آزادی باشد یا نباشد بمیان نمی‌آید. ولی میرزا ملکم از طریق جعل قانون، حداقل به‌طور نظری، قصد داشت حکومت را در چارچوبه‌ای از مقررات قرار دهد که درنهایت فضایی برای آزادی افراد بوجود آورد. (پیشین: ۴۵).

در این راستا برخی معتقدند شیخ فضل‌الله دخالت عقل بشر را در هیچ حوزه‌ای نمی‌پذیرد. و این به معنی این است که انسان در هیچ حوزه‌ای (حداقل در امور معاشیه) آزادی عمل ندارد. از آنجا که انسان‌ها از نظر کیفیت با یکدیگر متفاوت‌اند، درنتیجه تنوع راه‌حل‌های متفاوت برای رفع مشکلات به وجود می‌آید که لازمه آن تسامح و مدارای افراد با یکدیگر است ولی وقتی دخالت عقل را در حوزه معاشیه رد کردیم معنی آن این است که قائل به آزادی انسان‌ها در رسیدن به راه‌حل‌های متفاوت در این حوزه نیستیم. پس تسامح و مدارای انسان‌ها نیز در این رابطه معنی ندارد. اگر مسئله آزادی صورت مسئله باشد، شیخ فضل‌الله با اعتقاد به اینکه جعل قانون در حوزه معاشیه کار انسان نیست صورت مسئله حذف شده و دیگر بحث از وجود و یا عدم آزادی و گفتگوی در مورد آن خودبه‌خود منتفی است (بلوری، ۱۳۷۶: ۴۸).

میرزا ملکم با رعایت اصل تفکیک قوا در سیستم حکومتی خود، یعنی سلطنت مطلقه منتظم، درواقع می‌خواست تحدید قدرت حکومت را بنماید. او عقیده داشت که قدرت مطلقه حکومت را تنها باقدرت

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

می‌توان محدود کرد که مکانیسم آن این است که نهادهایی که در کنار یکدیگر به وجود آیند که یکدیگر را کنترل و نظارت بر هم داشته باشند. ولی شیخ فضل‌الله تفکیک قوا را تضعیف سلطان می‌دانست. او می‌گفت چون در این دوره، به علل مختلف سلطنت و دیانت به‌ناچار از هم جدا شده بودند لذا امور نبوتی بر عهده نواب عام معصوم (ع) و قدرت و شوکت و سیاست بر عهده سلطان و مقام سلطنت است. او عقیده داشت که «فی الحقیقه سلطنت، قوه اجراییه احکام اسلام است.»(پیشین). لذا مشروطه با وضع قوانین و اجرا اصل تفکیک قوا سبب تضعیف سلطان می‌شود. شیخ فضل‌الله بین دو حکومت مشروطه و سلطنت استبدادی، ترجیح را به سلطنت استبدادی می‌دهد. لذا تضعیف آن را جایز نمی‌داند و حتی در حق سلطان دعا هم می‌کند.

نقش بیشتر به مردم دادن با ورود اندیشه‌های جدید، عرصه میدان پیدا کرد و به‌طور طبیعی روشنفکران عمدتاً خواهان نقش گسترده‌ای برای دخالت مردن در امور حکومتی بودن و علمای مشروطه‌خواه فقط در حوزه امور معاشیه قائل به دخالت مردم در امور حکومتی بودن و امور معادیه را در انحصار و در اختیار فقهاء دین قرار می‌دادند. ولی شیخ فضل‌الله هم امور معادیه و هم امور معاشیه را در اختیار فقهاء دین قرار می‌داد و نیز جعل قانون را توسط مردم عادی نمی‌پذیرد، درواقع مثل این است که در این حوزه‌ها هیچ‌گونه اختیار و آزادی برای انسان نمی‌پذیرد چون مسئولیتی برای انسان در این رابطه نمی‌شناسد که برای آن‌ها اختیار و آزادی قائل باشد.

برخورد شیخ فضل‌الله با دو اصل اساسی مشروطه یعنی مساوات و آزادی، سلبی است. در اندیشه مشروطیت مساوات به معنی متساوی‌الحقوق بودن انسانهاست. یعنی انسان صرفنظر از نژاد، رنگ، مذهب و... از آنجا که انسان هستند دارای حقوق انسانی می‌باشد. درک شیخ فضل‌الله از مشروطیت بر این محور استوار بود کرده بود، لذا بالصراحه می‌گفت که: «جمع بین اسلام و مساوات از محالات است»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۴۰).

دیدگاه شیخ فضل‌الله در مورد آزادی مورد نظر مشروطیت نیز سلبی بود او به‌طور روشن و واضح آزادی بیان و قلم را رد می‌کرد. اصل آزادی و حریت از دیدگاه شیخ فضل‌الله یک «اصل موذی و خراب کننده قوانین الهی است.» زیرا که «بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان (زبان) است.» شیخ فضل‌الله با آزادی عقاید موردنظر مشروطه نیز موافقت نداشت، او می‌گفت در قانون اساسی یک کلمه بر ضرورت آزادی، سخن گفته شده و این‌همه مفاسد پیدا شده است و اگر آزادی عقاید اجازه داده می‌شد معلوم نبود که چه می‌شد. شیخ فضل‌الله هم مخالف آزادی در جنبه‌های دینی بود، همانند علمای مشروطه‌طلب

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

که منظورشان آزادی از شرع انور و قوانین الهی نبود. ولی علاوه بر آن، مخالفت با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز بود. او مطلقاً با اصل حریت مخالفت می‌کرد و در مجموعه اندیشه وی، جایی برای عرصه و ظهور آزادی وجود نداشت. وجود آزادی در قانون اساسی را موجب ترویج مفاسد و شیوع غیبت و افترا و سب مؤمنین می‌دانست.

شیخ فضل‌الله با آزادی مطبوعات نیز مخالف بود و به آن‌ها لقب «جراید سرپا جرائم» داده بود. از دید وی اگر مجوز آزادی نبود، مطبوعات اینقدر طعن و سب اسلام و مسلمین نمی‌کردند. شیخ حتی از اینکه او را مستبد بدانند ابائی نداشت. او شگفت‌زده می‌پرسید که چرا مخالفین، استبداد را ناپسند می‌شمارند. درحالی‌که اسلام طلبان مستبدند و البته باید مستبد باشند. چون «اساس اسلام بلکه هر دینی بر استبداد است.»(ترکمان، ۱:۳۴۸/۱۳۶۲). برای درک دقیق‌تر از دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری در خصوص آزادی و تعیین دال مرکزی مفصل‌بندی گفتمان وی پیرامون این مهم در ادامه به تحلیل مفهوم و ابعاد آزادی از منظر ایشان و سپس بررسی دلایل رویکرد متفاوت وی نسبت به آزادی سخن خواهیم گفت.

مفهوم آزادی از منظر شیخ فضل‌الله نوری

ابتدا بهتر است از نوشتهٔ محمدمهدي شريف كاشانی با تعریفی از آزادي و حريت كه علماي نجف ارائه داده بودند، به دیدگاه شیخ نوري دراین‌باره بپردازیم: «مراد از حريت، آزادی نوع ملت است از قيد رقيت استبداد پادشاه و فعال مايشاء بودن او و اعوانش در اموال و اعراض و نفوس مردم. و لازمه رها شدن از قيد اين رقيت و خلاصی از اين اسارت، آزادي اقلام و افكار و مطلق حركات و سكنات خلق است در جلب منافع عامه و رفع مضار نوعيه از عامه ملت، و هرچه كه موجب عمران مملكت اسلاميه و قوه نوع مسلمين گرديد بدون اينكه با مذهب آن‌ها منافرت و منافاتی داشته باشد. اين معنی آزادي و حريت است كه اساس مشروطه سلطنتی را تشكيل می‌دهد، نه حريت از قيودات دينی و قوانين الهی... مراد از حريت در ممالک مشروطه نه خودسري مطلق و رهائی نوع خلق است در هرچه بخواهند... بلكه مراد از حريت آزادی عامه خلق است از هرگونه تحكم و زور و بی‌حسابی و زورگويی.»(شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۴۹).

با توجه به اندیشه‌هایی که از شیخ فضل‌الله از دیدگاه‌های مختلف بازگو کردیم، به این مهم می‌رسیم كه وي با آزادي به معناي حلال شمردن محرمات الهی و مخالفت با دين و مذهب مخالف است نه با آزادي از ظلم و ستم. به گفتهٔ محمد ترکمان، درجایی شیخ فضل‌الله تبیین خود را از آزادي اين‌گونه بيان می‌كند: «مراد از حريت، حريت در حقوق مشروعه و آزادی بيان در مصالح عامه است تا اهالی اين

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

مملکت مثل سوابق ایام، گرفتار ظلم و استبداد نباشند و بتوانند حقوقی که از جانب خداوند براي آن‌ها مقدر است مطالبه و اخذ نمایند، نه حریت ارباب ادیان باطله و آزادي در اشاعه منکرات شرعیه که هر کس آنچه بخواهد بگوید و به‌موقع اجرا بگذارد.»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۳۶۶). در این باره باید توجه داشت که در زمان طرح موضوع قانون، مسائلی مطرح می‌شد که هر چند با مفاهیم دینی ارتباط نزدیک داشت، اما در حقیقت علیرغم این مشابهت، اهداف و زمینه های متفاوتی داشت، به گونه‌ای که در عمل نتایج این دو نیز متفاوت به نظر می‌آمد. فلذا برداشت و نگرشی که شیخ فضل الله و سایر متحصنان همراه وی بر آن معتقد بودند، ادامه دار بودن نقش سنتی پادشاه و از منظر آنان، نظام اسلام محور سلطنت بود.

شیخ فضل‌الله بر این باور نیز بود که طرح مباحثی با رویکرد اصلاحی برای ایجاد عدالت اجتماعی نوعی فریب افکار عمومی است و در این خصوص اعتقاد داشت که: «جماعت آزادی‌طلب توسط دو لفظ دلربای عدالت و شورا برادران مار را فریفته به‌جانب لامذهبی میرانند... دین اسلام اکمل ادیان و اتم شرایع است و این دین، دنیا را به عدل و شورا گفت. آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید»(کسروی، ۱۳۸۸: ۴۱۰).

به باور وی طرفداران مشروطه به دنبال طرح موضوع عدالت، در پی نیل به اهدافی دیگر و شیخ هدف مشروطه خواهان از طرح این مهم را صرفاً، دستاویزي براي اهدافی دیگر می‌داند و بیان می‌دارد که: «چون عدالت تامه را منحصر به زمان ظهور حضرت حجت می‌دانستید لهذا منتظر قدوم عدالت لزوم آن حضرت بوده‌اید الحال چه واقع شده است میان ما و شما اي صاحبان عقاید مذکوره... که سست عنصري خود را نشان این و آن داده‌اید و به محض آنکه صیت مجلس معدلتی از برای طغیان ظلم و جور و عدوان بلند شد (بپاخاستید)»(پیشین: ۴۳۴).

مسئله مهم دیگری که واکنش شیخ و البته بخش زیادی از علمای دیگر را نیز به دنبال داشت ماده قانونی بود که تمام اتباع ایران را صرفنظر از دین و مذهب، در برابر قانون برابر می‌داست، در ظرف زمانی خاص آن دوره این مسئله جالش های فکری و برداشت های متفاوتی را در پی داشت، چرا که بر اساس آموزه های دینی اصولاً مؤمنون نسبت به کفار موقعیت بالاتر و ممتازی دارند که این مهم باعث تمایز و عدم برابری آنها می‌شود. مترجم مقالهٔ مارتین در همین رابطه به‌عنوان مثال یکی از اتهامات مجلس مشروطه را تلاش در جهت امر به منکر و نهی از معروف می‌داند و بر این باور است که شیخ فضل‌الله می‌گوید: «این مجلس به مجوسان آزادی نشر عقایدشان را می‌دهد. اما هرکس را که بخواهد جلوی این کار را بگیرد مستبد خوانده شده، متهم به تخریب مجلس می‌شود.»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۲۸۷).

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

شیخ فضل الله به طور جدی مخالف بحث آزادی مطبوعات و طرح آزادانه اندیشه و بیان و افکار بود، چرا که از دیدگاه وی این موضوع باعث فتنه انگیزی و ترویج تهمت و افترا و ضعف باورهای دینی در جامعه می‌شد. در همین ارتباط شیخ عبدالرحیم طالبوف به واسطه نوشته هایش که با شریعت سازگار نبودند را تکفیر و تحریم نمود.

شیخ فضل‌الله نوري در بیان این امر، راجع به اصل مربوط به آزادي قلم و مطبوعات در قانون اساسی مشروطه می‌گوید: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است، به‌موجب این ماده بسیاري از محرّمات ضروري‌الحرمهٔ تحلیل شد زیرا که مستثنی فقط دو امر شد و حالاآنکه یکی از محرّمات ضروریه، افتراست و یکی از محرّمات مسلّمه غیبت از مسلم است و همچنین قذف مسلم و ایذاء و سب و فحش و توهین و تخویف و تهدید و آن من الممنوعات الشرعیه و المحرمات الالهیه،»(پیشین: ۱۰۹). ایرادات شیخ فضل‌الله به نهاد دموکراتیک، بیشتر به خاطر برخی جلوه‌های عینی و نامناسب و نیز پیامدهاي احتمالی آن بود که به نظر، نافی اسلامیت و مضر به حال دین بود تا آنکه برگرفته از تفکري ژرف در نظامات سیاسی و ازجمله مشروطه باشد در واقع اعتراض شیخ فضل‌الله به آزادی، کلمه شوم شجره خبیثه از آن جهت است که آزادی قلم و زبان «برای ملاحده و زنادقه» حق می‌دهد که «کلمات کفریه خود را در منابر و لوایح بدهند»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۶۰).

شیخ فضل‌الله، در جاي دیگر با تعابیري که براي آزادي بیان می‌کند از این حد هم فراتر رفته و می‌گوید: «ای مردم نادان کدام مجلس و چه قانونی اجازه می‌دهد که قلم و بیان به‌نوعی آزاد باشد که در جراید از شاه و علماء، وکلا و اعیان و اشراف و ائمه اطهار شماتت نمایند...»(پیشین: ۱۹۶) برخی معتقدند بیشتر مثال‌هایی که در سخن شیخ فضل‌الله نوری تحت عنوان مضار آزادی در یک نظام مشروطه و دموکراسی آمده، می‌تواند مورد پیگرد قانونی قرار گیرد (حسینی روحانی؛ هاشمی، ۱۳۷۹: ۵۳۸).

اما با تمام این موارد جلال‌الدین مدنی نویسنده و پژوهشگر تاریخ، معتقد است که آنچه شیخ نوری را به جبهه‌گیری علیه کلمه «آزادی» در آن زمان وادار نمود این بود که بعضی از جراید و برخی از افراد گفتند و نوشتند که غرض از آزادی «آزادی مذهب» است. برخی نیز در نوشته‌های خود نقل می‌کنند که: «این آزادی، طعمه‌ای است برای ربودن آزادی، که نغمه آن از حلقه فراماسون‌ها بیرون می‌آید و این آزادی از انگلیس مایه می‌گیرد»(مدنی، ۱۳۶۱: ۶۰). بنابراین شیخ فضل‌الله موضع‌گیری نموده و اعلام می‌کند: «آزادی در اسلام کفر است بخصوص این آزادی که این مردم تصور کرده‌اند. این آزادی کفر در کفر است من شخصاً از روی آیات قرآن برای شما اثبات و مدلل می‌دارم که در اسلام آزادی کفر است.»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۲۱۰).

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

ابعاد آزادی از دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری

به نظر می‌رسد شیخ در تعریف آزادی به دو معنای مثبت (مشروع) و دو معنای منفی (غیرمشروع) آن اشاره می‌کند. «آزادی مشروع» ازنظر شیخ یعنی: «بیان مصالحه عامه» و «رهایی از ظلم و استبداد» و آزادی غیر مشروع یعنی: «آزادی ارباب ادیان باطل» و «اشاعه منکرات شرعیه و هرج‌ومرج». تعریفی که شیخ از آزادی ارائه می‌دهد، نشانگر آن است که وی با چه نوع آزادی در عصر خویش مواجه بوده است وی مکرر در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش به تعریف آزادی در اسلام اشاره می‌کند ولی درعین‌حال، در بعضی از سخنان شیخ کلماتی وجود دارند که عده‌ای بر این باورند که وی مخالف آزادی است و بر این اساس او را مخالف آزادی می‌دانند. شیخ به‌عنوان رهبر دینی و مذهبی نهضت مشروطه و به‌عنوان یک اسلام‌شناس مجتهد، هرگز نمی‌توانست با آزادی به مفهوم اسلامی آن مخالفت کند؛ چراکه اسلام دین آزادی است، اما آنچه او را به مخالفت از آزادی برمی‌انگیخت؛ سوءاستفاده از این واژه مقدس بود. مخالفت شیخ با آزادی در واقع، ستیز با مفهوم سکولار آن بود که رهایی از قید شریعت و نفی حاکمیت دین را در پی داشت. شیخ با مبانی فرهنگ و تمدن غرب و اصول موضوعه فکری و سیاسی آن آشنایی کامل داشت و به سبب حضور مستمر در پایتخت ایران از پیشینه عملکرد افراد و گروه‌ها و دسته‌های گوناگون سیاسی در تحولات عصر مشروطیت اطلاع کافی داشت. (حشمتی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

پس از صدور فرمان مشروطیت و گشایش مجلس شورای ملی، آزادی سیاسی بدون حدوحصر در کشور به وجود آمد. شب‌نامه‌های متعددی نوشته شدند و روزنامه‌های رنگارنگی منتشر گشتند. مخبرالسلطنه که از بانیان و فعالان مشروطه بود، می‌گوید: «روزنامجات به اغراض گوناگون آبرو برای کسی باقی نمی‌گذاشتند. اگر احیاناً حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار می‌دادند. لهجه زشت و ظهور دم‌های خروس اصل منظور را از بین می‌بردند، معلوم نبود از زبان کی سخن می‌گویند.»(هدایت،۱۳۸۹: ۵۱). دکتر رضوانی می‌نویسد: «تنها مخالف مبارز و شجاع، مرحوم شیخ فضل‌الله نوری بود که در برابر این سیل دمان و خروشان که همه را از پا درآورده بود، چون کوهی استوار و پابرجا سرسختی نشان می‌داد و در برابر گردانندگان دستگاه مشروطه خواهان، که دستگاه تبلیغاتی نسبتاً عظیمی فراهم کرده بودند، مردانه با آنان معارضه و مقابله می‌کرد و اعلامیه و رساله و نوشته منتشر می‌ساخت.»(ابوالحسنی، ۶۷ به نقل از حشمتی، ۱۳۸۳: ۱۰۴).

درست است که شیخ فضل‌الله در تذکره‌الغافل می‌نویسد: «قوام اسلام به عبودیت است نه به آزادی»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۶۰). و نیز در گفت و گویش با طباطبایی و بهبهانی در حرم حضرت عبدالعظیم،

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

آنجا که به تنفیذ از محتوای جراید مشروطه و آزادی بی‌رویه آن‌ها پرداخته، می‌گوید: «این آزادی که این مردم (مشروطه‌چیان افراطی) تصور کرده‌اند... کفر در کفر است. من شخصاً از روی آیات قرآن بر شما اثبات و مدلل می‌آوردم که در اسلام، ازادی کفر است....»(ترکمان، ۱۳۶۲: ۵۹). و موارد دیگری از مصادیق مخالف که در سطور پیش بدان اشاره شد؛ اما بلافاصله علت مخالفتش را با این‌گونه آزادی‌ها بیان می‌کند و برای اثبات آن، به نشر مطالب خلاف شرع و حتی خلاف امنیت ملی در جراید اشاره می‌دارد (ترکمان، ۱۳۶۲: ۶۱). ازاین‌رو در ادامه به بررسی دلایل مخالفت شیخ با مفهومی از آزادی که در آن زمان متداول بود خواهیم پرداخت.

دلایل و استنادات مخالفت با آزادی مورد نظر در مشروطه

از جمله دلایل مخالفت شیخ با برداشت غالب از مفهوم آزادی در دوران مشروطیت، نوع نگاه دینی شیخ به این مهم بود. وی به‌روشنی از امتناع آزادی در منابع اسلامی سخن گفته و بر این باور است که: «بنای قرآن بر آزاد نبودن قلم و لسان است.» شیخ از یک طرف وجود آزادی در منابع اسلامی(قرآن و سنت) را انکار کرده و از طرف دیگر معتقد است که باور به آزادی مطلقاً اشتباه بوده و حتی «این سخن در اسلام کلیتاً کفر است.» شیخ فضل الله در واقع از آزادی مطلق سخن گفته و آن را نفی کرده و همسنگ با کفر می‌داند. به گونه‌ای که می‌توان به این نتیجه رسید که اساساً وی نه‌تنها با آزادی‌های مضاف(آزادی بیان، آزادی اندیشه و...) مخالف است، بلکه حتی به این راهکار معتقد است که کلمه آزادی از مباحث موجود حذف گردد: «اگر از من می‌شنوید، لفظ آزادی را بردارید که عاقبت این حرف ما را مفتضح خواهد کرد». در تأیید این موضوع، می‌توان از گفته وی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، نیز به همین نتیجه رسید. چراکه در آنجا به نبود برخی آزادی‌های مضاف در قرآن استناد کرده است. البته از این گفته نمی‌توان به این نتیجه رسید که شیخ معتقد به استبداد است، بلکه او نیز در مباحثش مثل مشروطه‌طلبان به محدودکردن سلطنت باور داشته و می‌گوید: «اینکه بیان گردید حدودی برای پادشاه و وزرا معین خواهد شد خیلی خوب و به‌جا است. کسی نمی‌تواند تکذیب کند.» با این حال شیخ، متکی به آزادی نبوده بلکه آن را باعث اختلال و آشفتگی در دین می‌داند. مبنای مخالفت شیخ با آزادی مورد نظر مشروطه طلبان این است که اگر هدف آنان اجرا نمودن قانون خداوند و حفظ احکام دین است، «چرا خواستند اساس او را بر مساوات و حریت قرار دهند» و این در صورتی است که «قوام اسلام به عبودیت است نه به آزادی.»

به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که نوری به مخالفت با مشروطیت برخواست، وضعیت و شرایط

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

موجود جامعه وی بوده است. زیرا به اعتقاد وی در اثر شرایط موجود، برخی مسائل به وجود آمده بود که مایه نگرانی شده بود. از جمله اینکه شیخ به هیچ عنوان آزادی بیان و رسانه های نوشتاری را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد و اثر سؤ آن را این دانسته که «فرق ملاحده و زنادقه» امکان نشر افکار و سخنان کفرآمیز خود را ببه دست آورند. وی در همین راستا می‌گوید:

«ای عزیز! اگر اساساً این اساس (مشؤوم) مؤدی به ضلالت اعطای حریت مطلقه نبود، پس چرا جلوگیری از لوایح کفره نمی‌شد. کدام جریده نوشته شد که مشتمل بر طعن به اسلام و اسلامیان نبود؟ کدام اداره بود که جریده‌اش خالی از کفر بود؟ اگر اساس آن حریت نبود، جمال زندیق (سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی) و جهنمی ملعون و آن فخرالکفر (فخرالاسلام) مدلس و اخوه آن‌ها این همه کفریات در منابر و مجامع و جراید خود نمی‌گفتند و مردم چون قطعه‌ای چون خشک استماع آن زندقه نمی‌نمودند و اگر کسی می‌گفت منع فرمایید آنان را در جواب نمی‌گفتند که ما محتاج به آن‌ها هستیم و آن‌ها معین و مقوم این اساس‌اند. اف به آن اسلام که مرتدین و اقوال مناله و مضله آن‌ها مقوم آن باشند. آه از نفهمی مردم»(پیشین:۶۴).

با توجه به گفته‌های مندرج در سطور بالا، شیخ آزادی بیان در مطبوعات را برنتابیده و باور دارد که این آزادی نتیجه‌ای جز طعن اسلام و دین و مسلمان را در پی نخواهد داشت. و در تأیید این گفته خود به ذکر اسامی برخی از نویسندگان با تعابیر زندیق، جهنمی ملعون، فخرالکفر و مدلس می‌پردازد. علاوه بر این شیخ معتقد است که مشروطه طلبان در ابتدا از ذکر جزییات اهداف خود امتناع کرده اما بعد از توفیق در نیل به موقعیت مورد نظر خود، پرده از جزییات اغراض و اهداف خود برداشته‌اند، و حتی در همین خصوص بخشی از جامعه را به «بی باکی و ناپاکی» نیز متهم می‌کند: «برداشتن کند و زنجیر شریعت از مردم بی‌باک ناپاک که هر چه بتوانند (در) اعلانات و روزنامجات، نسبت به هر محترمی از (بزرگان) دین و پیشوایان دین و علمای عاملین متدینین بگویند و بنویسند و به طبع برسانند.»

نوری به کرات از آزادی اندیشه و وضعیتی که ایجاد شده بود شکایت داشته و بیان می‌دارد: «ای عزیز! اگر اعطای حریت نشده بود آن خبیث در محضر عمومی این‌همه انکار ضروری نمی‌کرد و از جمله نمی‌گفت: مردم! حق خود را بگیرید. در قیامت کسی پول سکه نمی‌زند. آخوندها از خودشان (درآورده‌اند) که قسم بخورد برو پی کارت... و آن ملحد نمی‌گفت قانون، مثل قرآن محترم است و آن بی‌دین در جریده نمی‌نوشت که باید عمل به قرآن بکنیم و امروزه این قانون، قرآن ما است و مجلس کعبه. و باید در حال احتضار پا را به‌سوی آن بکشند. خدا دهانت را بشکند.»

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

شیخ فضل الله در خصوص قانون اساسی نیز نقد اساسی و مهمی وارد کرده و آن را «ضلالت نامه» می‌داند. از جمله وی به انتقاد از متمم ماده ۲۰ قانون اساسی پرداخته و بر این باور است که این ماده بسیاری از محرمات ضروری را حلال کرده و صرفاً «کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین» استثناء شده است و این در صورتی است که: «یکی از محرمات ضروریه افترا است و یکی از محرمات مسلمه غیبت از مسلم است و همچنین قذف مسلم و ایذاء و سب و فحش و توهین و تخویف و تهدید و نحو آن من الممنوعات الشرعیه و المحرمات الهیه. آزادی این امور آیا غیر از تحلیل ما حرمه الله است؟ و من حلل حراماً حال او معلوم و حکم آن مبین است» از این رو شیخ اعتقاد دارد هرکس اینگونه بیاندیشد و حرام خدا را حلال بپندارد، مرتد می‌باشد.

یکی از دلایل و استنادات مخالفت شیخ با آزادی مورد نظر در مشروطه پیرامون اعتبار رأی اکثریت است. به اعتقاد وی: «اعتبار به اکثریت آرا به مذهب امامیه غلط است.» شیخ فضل الله نوری برداشت متفاوتی از مفهوم اکثریت داشته و بر این اعتقاد است که امکان دارد اکثریت دچار گمراهی شده و احکام قطعی اسلام را لغو، و قوانین معارض و مغایر با احکام دین را وضع کرده و اجراء کنند. از منظر شیخ، ولایت و سرپرستی مردم در زمان غیبت امام عصر(عج) «با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز.» با این وصف می‌توان این نتیجه را به دست آورد که در دیدگاه وی، مردم و به دنبال آن اکثریت، جایگاهی مشابه آنچه که مشروطه خواهان در نظر داشتند، نداشته و طبیعتاً مردم از خود آزادی و اختیاری نخواهند داشت که بخواهند با رأی خود انتخاب موثری داشته باشند.

موضوع دیگری که از جمله دلایل مهم مخالفت شیخ با آزادی مورد نظر در مشروطه بوده مسئله «نظم و امنیت» است. به گونه‌ای که وی اعتقاد دارد، آزادی منظور، موجب تضعیف اعتقادات دینی و شریعت شده و در نتیجه هر ج و مرج و ناامنی نتیجه این وضعیت خواهد شد. وی به طور جدی به وضعیت موجود انتقاد کرده و می‌گوید: «چرا این‌همه در جرایدشان تکریمات از فرقه زردشتی و سلاطین کیان می‌کردند و آن‌ها را که اخبث طوایف‌اند، طایفه نجیبه می‌خواندند؟ و چرا این‌همه جراید پر از کفر را که سبب تضعیف عقاید مسلمین بود منع نمی‌کردند» با این وصف دلیل مهم دیگری که از گفته های شیخ می‌توان برداشت نمود مسئله امنیت وترس از هرج و مرج اجتماعی است. شیخ در همین راستا بیان می‌دارد:

«به ایجاد این اساس مشؤوم (آزادی) به سبب اظهار عقاید و اعمال اهالی این فرقه مختلفه و اظهار عناد آن‌ها قهراً چنان هرج‌ومرج عظیمی در بلدان ما ظاهر خواهد شد که احدی مالک جان و مال و عز و عرض خود نباشد و آنی هیچ‌کس در خانه خود آسوده‌خاطر نخواهد ماند» از منظر شیخ با توجه به بافت

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

جمعیتی ایران و تفرقه های قومی و زبانی و مذهبی و... کمبود نظامیان و قدرت عشایر و ایلات در صورت بروز بی نظمی و هرج و مرج، فرایند نامطلوبی در انتظار خواهد بود و لذا از جمله دلایل مهمی که به استناد آن شیخ با آزادی مورد نظر مشورطه خواهان مخالفت می‌کرد، همین مسئله امنیت و نظم خواهی بود.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا گفتمان شیخ فضل‌الله نوری در خصوص مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت مورد تحلیل قرار گیرد. با توجه به آنچه بیان شد باید اذعان نمود که شیخ فضل‌الله بواسطه مخالفت با آزادی مورد نظر مشروطه خواهان تلاش می‌نماید تا مسائل و مشکلاتی را که از این رهگذر مغایر شریعت می‌داند؛ را مطرح سازد. فلذا با تبیین و تشریح آراء و عقاید خود، بطور جدی آزادی بیان و اندیشه‌ای که در عصر خود با آن مواجه بود را مورد انتقاد قرار داده و رأی اکثریت را مخالف مسلمات دینی دانسته و رواج افکار مشروطه خواهی را موجب گمراهی عامه مردم، ضربه به دین و اخلال در نظم و امنیت کشور می‌داند. شیخ به باور خود در پی حفظ منیت دینی و امنیت اجتماعی برای مردم است که با ترویج افکار مشروطه خواهان متزلزل شده و با این رویکرد در جهت تقویت مبانی دینی و نظم و امنیت اجتماع قدم برمی‌دارد. به واقع شیخ فضل الله نوری بطور جدی بر این باور بود که «چیزی نگذرد که حریت مطلقه رواج، منکرات مجاز، مسکرات مباح، زنان مکشوف، شریعت منسوخ و قرآن مهجور شود.»

ازاین‌رو در بحث مفصل‌بندی و تعیین دال مرکزی گفتمان وی این نتیجه حاصل می‌شود که دال مرکزی گفتمان شیخ فضل‌الله نوری پیرامون آزادی: امنیت و نظم و ثبات و انسجام فکری، اعتقادی و ملی جامعه ایران، بوده و عنصر مهم و اولویت اندیشه شیخ فضل‌الله نوری در این زمینه به شمار می‌رود. ازاین‌رو شاید بتوان گفت همراهی نخستین او با نهضت مشروطیت نیز به این سبب بود که انتظار داشت به‌وسیله آن نظم و امنیت در جامعه بسط و گسترش یابد. اما پس از مدتی دریافت آنچه که منظور نظر او است تأمین و برقرار نخواهد شد و بنابراین به‌زعم خود در جهت حفظ امنیت گام برداشت و این‌گونه بود که به‌صورت قطب مخالف نهضت مشروطیت و البته حامی مشروطه مشروعه درآمد.

با این اوصاف باید در نظر داشت که گفتمان شیخ فضل‌الله نوری در خصوص آزادی را پیرامون مفاهیمی همچون «هرج‌ومرج در کشور و تضعیف در اسلام»، «خطر زوال دین»، «رواج منکرات و مسکرات»، «تعارض مفهوم مدنظر مشروطه خواهان از آزادی با آموزه‌های دینی»، «سوءاستفاده منحرفان» و «از بین رفتن یکپارچگی درکشور» می‌توان مفصل‌بندی نمود در ادامه الگوی مفهومی دال مرکزی و مفصل‌بندی گفتمان شیخ فضل‌الله نوری پیرامون آزادی در دروان انقلاب مشروطیت را به شرح روبرو می‌توان ترسیم نمود:

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

نمودار۱: دال مرکزی گفتمان شیخ فضل‌الله نوری پیرامون آزادی

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]
[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

فهرست منابع

۱- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۹۱، نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلا و کاربرد آن در سیاست، سیاست شماره ۲۴.

۲- افسرده، عطالله؛ جلال پور، شیوا؛ عامری گلستانی، حامد، ۱۳۹۷، واکاوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسیِ مشروطه، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره۱۳، شماره۳.

۳- آبادیان، حسین؛ ۱۳۷۴، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، تهران: نشر نی.

۴- آجدانی، لطف الله، ۱۳۸۰، علما و اندیشه آزادی در عصر مشروطیت، بازتاب اندیشه، شماره۱۷.

۵- بروجردی، مصطفی، ۱۳۶۲، نخستین فریادگر مشروعه در بیداد مشروطه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۶- بلوری، محمد اسماعیل، ۱۳۷۶، اندیشه آزادی از دیدگاه میرزا ملکم، شیخ اسماعیل غروی، شیخ فضل الله نوری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

۷- ترکمان، محمد، ۱۳۶۲، مجموعه مقالات، رسائل و اعلامیه و... شیخ فضل الله نوری، تهران: رسا

۸- حسینی روحانی، سید امیر حسین؛ هاشمی، سید محسن، ۱۳۷۹، مجموعه مقالات سیری در ارا و اندیشه های نابغه بزرگ شیعه حضرت ایت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی، اصفهان: نشر کانون پژوهش.

۹- حشمتی، ماشالله، ۱۳۸۳، مفهوم شناسی آزادی در عصر مشروطیت، نشریه معرفت، شماره ۸۶.

۱۰- حقیقت، سیدصادق؛ حسین زاده، محمدعلی، ۱۳۸۷، «گفتمان» در: رهیافت و روش در علوم سیاسی، به اهتمام عباس منوچهری، تهران: سمت.

۱۱- زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۹۰، رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۱۲- سلطانی، علی اصغر، ۱۳۸۷، قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی، تهران: نشرنی.

۱۳- سلیمانی دهکردی، کریم؛ رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی، ۱۳۹۳، مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه، مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۲.

۱۴- شریف کاشانی، محمد مهدی، ۱۳۶۲، واقعات اتفاقیه در روزگار، تهران: نشر تاریخ ایران.

۱۵- قیصری، نورالله، ۱۳۶۵، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، نویسنده: ونس . ای مارتین، سایت حوزه، مجله متین، شماره۹.

۱۶- کسروی، احمد، ۱۳۸۸، تاریخ مشروطه ایران، تبریز: انتشارات آناس.

۱۷- مارش، دیوید؛ استوکر، جری، ۱۳۷۸، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۸- محمدی، مجتبی، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی اندیشه های سیاسی شیخ فضل الله نوری و علامه نائینی با تاکید بر دموکراسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز .

۱۹- محمدی، مجتبی، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی اندیشه‌هاي سیاسی شیخ فضل‌االله نوري و علامه نائینی با تاکید بر دموکراسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۲۰- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: موسسه نشر اسلامی

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]

۲۱- مک دانل، دایان، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
۲۲- میر احمدی، منصور، ۱۳۹۴، تحلیلی بر اختلاف دیدگاه علمای موافق و مخالف مشروطه، علوم سیاسی، دوره۱۸، شماره ۶۹
۲۳- میرزایی، محمد؛ ربانی خوارسگانی، علی، ۱۳۹۳، ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان، غرب شناسی بنیادی، سال ۵، شماره۱.
۲۴- هدایت، مهدیقلی(مخبرالسلطنه)، ۱۳۸۹، خاطرات و خطرات، تهران: نشر زوار.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۳

احمدی، بهمن؛ حسینی گلی، اسمعیل؛ اللهکرم، عبدالحسین (۱٤۰۰)، «تحلیل گفتمان شیخ فضل الله نوری پیرامون مفهوم آزادی در انقلاب مشروطیت» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۲، تابستان ۱٤۰۰، صص ۷۵-۵۱.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.2.7.7]